

نقش مطالعات فرهنگی در تحلیل کارکرد زبان مخفی در دهه هشتاد

قدسیه رضوانیان^۱ سیاوش حق جو^۲ لیلا درویشعلی پور^{۳*}

(دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱، پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۳۱)

چکیده

شکل‌گیری هر گونه زبانی جدید ناشی از برآورده‌سازی نیازی انسانی است. در دهه هشتاد در گفتار روزمره مردم ایران، به‌ویژه جوانان و ازگان تیره و به اصطلاح مخفی / اینترنتی رواج بیشتری یافت. تابوهای دینی، سیاسی و جنسیتی هدف‌گیری شد و با مسائل دنیای مدرن به شکل فراگیر در هم آمیخت. تبیین دلایل شکل‌گیری زبان مخفی، یافتن هواداران بسیار در فضاهای مجازی، به‌ویژه جوانان و تحلیل کارکرد این زبان در مطالعات فرهنگی^۱ موضوع پژوهش حاضر است. مطالعات فرهنگی با رویکرد بینارشته‌ای و هم‌سنگ‌نگری زبان رسمی و عامیانه، فضا را برای رونمایی از این زبان در مجامع و نهادهای رسمی باز می‌کند. این مقاله می‌کوشد با روش تحلیل محتوا از نوع کیفی، چهار منبع از کتاب‌ها و فرهنگ‌هایی را که بسامد لغات زبان مخفی در آن زیاد است، بررسی کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، گسترش اوقات فراغت، ورود فناوری اطلاعات، پیشرفت تکنولوژی و در پی آن امکان گمنام ماندن نویسندگان در فضاهای مجازی و گسترش ادبیات عامه‌پسند، نقش مهمی در گسترش زبان مخفی در دهه هشتاد داشته است و فارغ از نگاه‌های

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران.

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران.

*ldarvishalipur@yahoo.com

سوگیرانه، بررسی علمی و افزودن برخی واژگان غیرتابویی زبان مخفی به زبان معیار می‌تواند به باروری و تقویت زبان فارسی کمک کند.
واژه‌های کلیدی: مطالعات فرهنگی، زبان مخفی، خرده‌فرهنگ.

۱. مقدمه

فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه از قرن ۱۳ شمسی تاکنون دستخوش تحولات بسیاری شده‌اند و در دهه هشتاد این تغییرات به اوج خود رسید؛ زیرا فرهنگ‌نگاران به جای روش گردآوری کتابخانه‌ای، همگام با تحول فناوری روز و مشاهده نوجویی‌های زبانی، گفتار خرده‌فرهنگ‌ها، به‌ویژه نسل جوان جامعه را در واژه‌نامه‌ها با روش میدانی پیکره‌بندی کردند. بسیاری از فرهنگ‌های زبان فارسی معیار یا رسمی، با حمایت فرهنگستان و یا نهادهای رسمی به شکل چاپی یا رایانه‌ای پیکره‌بندی و منتشر شده‌اند؛ اما فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه نه‌تنها دارای این اقبال نبوده‌اند؛ بلکه به دنبال این بی‌اعتنایی، به دلیل وابستگی نهادهای رسمی آموزشی و پژوهشی به قدرت رسمی سیاسی، جایگاه چندانی در متون دانشگاهی، کتابخانه‌ها و تحقیقات علمی نداشته‌اند. همین کم‌توجهی‌ها باعث شده تا کاربران فرهنگ‌ها نتوانند به مرجعی کامل که حاوی معنای استعاری و رمزی برخی واژگان و تعبیر نوظهور باشد، دست‌یابند. گویی نهادهای فرهنگی رسمی، و به‌طور خاص فرهنگستان، بیشتر در پی تثبیت زبان معیار برآمده و ورود واژگان مخفی و تابوشکن در زبان معیار را اقدامی نابهنجار و خطری برای ماندگاری زبان فارسی دانسته‌اند. مطالعات فرهنگی ضمن ارج‌گذاری به زبان رسمی، وجود این خرده‌زبان‌ها را که معمولاً از سوی گروه‌های طردشده از اجتماع، مثل سارقان، متکدیان، خلافکاران و نوجوانان و جوانان خوش‌ذوق ساخته می‌شود، امری طبیعی می‌داند. مطالعات فرهنگی ارزش زبان عامیانه را تا به آن‌جا می‌داند که «می‌تواند دماسنج تحولات آینده زبان و فرهنگ نیز محسوب شود» (رجبلو و علیخانی، ۱۳۹۵: ۷۶). همین واژگان عامیانه گاه طبیعی‌تر از واژگان مصوب فرهنگستان به نظر می‌رسند؛ زیرا نیاز روزآمد و طبیعی مردمان، باعث پیدایی آن می‌شود.

در این مقاله سعی شده مطالعات فرهنگی و خرده‌فرهنگ جوانان، پیکره‌شناسی فرهنگ‌های زبان مخفی و تحلیل زبانی آن در چهار محور ابداع، گسترش معنایی، قرض‌گیری، و تخفیف و ترکیب معرفی شود. در ادامه، بر اساس موضوع اصلی مقاله، یعنی تحلیل کارکرد زبان مخفی، به کاربرست نظریه مطالعات فرهنگی در چند محور شامل تحلیل کارکرد زبان مخفی به‌منزله نوعی سانسور، اعتراض، تفریح و سرگرمی و ابزاری برای قشربندی اجتماعی پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه و روش پژوهش

حسین پاینده، منتقد ادبی و استاد نظریه و نقد ادبی دانشگاه علامه طباطبائی، نقش بسزایی در معرفی مطالعات فرهنگی به ادبیات و نقد ادبی در ایران داشته است. او با ترجمه کتاب‌هایی چون *روان‌کاوی فرهنگ عامه* (۱۳۸۲) اثر بری ریچاردز، *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه* (۱۳۸۶) اثر استوری، و مقاله‌هایی مثل «جایگاه ادبیات عامه‌پسند در مطالعات فرهنگی» (۱۳۸۹) و «شیوه‌های جدید نقد ادبی: مطالعات فرهنگی» در مجموعه مقالات کتاب *نقد ادبی و دموکراسی: جستارهایی در نظریه و نقد ادبی جدید* (۱۳۸۵)، ضمن معرفی تاریخچه مطالعات فرهنگی در مکتب بیرمنگام انگلستان و نقد فیلم‌ها و پیام‌های بازرگانی، راه مطالعه فرهنگ عامه را در مباحث نقد ادبی و مطالعات فرهنگی گشود.

نعمت‌اله فاضلی، انسان‌شناس اجتماعی، نیز از دیگر چهره‌هایی است که از دهه هشتاد تاکنون فعالیت جدی خود را برای تحلیل فرایندهای فرهنگ در ایران معاصر در قالب مردم‌شناسی، انسان‌شناسی مدرن، مطالعات فرهنگی و تاریخ فرهنگی ایران دنبال کرد؛ از جمله کتاب‌های او می‌توان به *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران: رویکرد انسان‌شناختی و مطالعات فرهنگی* (۱۳۸۷)، *فرهنگ و دانشگاه: منظرهای انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی* (۱۳۸۷)، *مردم‌نگاری سفر* (۱۳۹۰)، *انسان‌شناسی فرهنگی* (۱۳۹۰) اشاره کرد. از وی ترجمه مقالاتی از انسان‌شناسان فرهنگی غرب مثل جیمز پپیل، گریک بایلی، دانیل بیتس و ... و نیز مجموعه مقاله‌هایی در قالب کتاب *از جمله تاریخ فرهنگی ایران مدرن* (۱۳۹۳)، *فرهنگ و شهر: چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری* (۱۳۹۱)،

خانواده و زندگی شهری (۱۳۹۱)، درحوالی همین کوجه‌ها (۱۳۹۳)، همچنین مقاله‌هایی مثل: «مدرنیته و مسکن» (۱۳۸۷)، «تأملات خیابانی درآمدی بر شادی و شهر در ایران» (۱۳۹۲)، «مصرف فرهنگی اینترنت و شکل نگرفتن هویت مجازی مردم‌نگاری دانشجویان سه دانشکده ارتباطات، عمران و معماری» (۱۳۹۱) منتشر شده است.

سمائی، زبان‌شناس، با تثبیت ۵۱۴ مدخل در قالب فرهنگ لغات زبان مخفی (۱۳۸۲) از گفت‌وگوهای دانش‌آموزان و جوانان جنوب‌شهر تهران با روش میدانی، ضمن معرفی تاریخچه زبان مخفی و نگاهی جامعه‌شناسانه به آن، زبان مخفی را نه یک زبان مستقل، بلکه یکی از شکل‌های زبان معیار خوانده است که بیشتر در حوزه واژگان و تا حدودی اصطلاحات و عبارت‌های فعلی خود را نشان می‌دهد.

اکرامی‌فر در کتاب مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی (۱۳۸۵) با مقدمه‌ای طولانی درباره فرهنگ، ۱۸۵۴ اصطلاح خودمانی بین جوانان مشهد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۸ سال را با ابزار پرسش‌نامه و روش پیمایشی گردآوری و تحلیل کرد.

اعتضادی و علمدار در مقاله «تحلیل جامعه‌شناسی زبان مخفی در بین دختران» (۱۳۸۷)، بر اساس مباحث جامعه‌شناسی زبان، استفاده از زبان مخفی در بین دختران را کمتر از پسران دانسته و معتقد است دختران به جای تابوشکنی از حریم‌های ممنوعه، بیشتر به مخفی‌سازی و اصطلاح‌سازی ویژگی‌های فیزیولوژی خود دست می‌زنند.

حاج هاشمی و رفیعی در مقاله مشترک «بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی دانشجویان اصفهان» (۱۳۹۶)، با روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه، ۱۶۰ اصطلاح عامیانه تحصیلی در بین دانشجویان اصفهان را با الگوی شقاقی و اکرامی‌فر در ساخت واژه و اصطلاح تحلیل کرده‌اند و یافته‌های آماری قلمرو پژوهش آنان نشان می‌دهد که «ترکیب» بیشترین سهم را در ساخت اصطلاحات دانشجویی دارد.

رجبلو و علیخانی در مقاله مشترک «بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده‌فرهنگ جوانان» (۱۳۹۵)، گفتار عامیانه جوانان را در سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم کرده‌اند و با تکیه بر نظریه خنده کارناوالی باختین، متن ۳۰ وبلاگ را بین گروه سنی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله بررسی کرده‌اند.

نقش مطالعات فرهنگی در تحلیل کارکرد زبان مخفی... _____ قدسیه رضوانیان و همکاران

همچنین در شماره ۱۰۱ *ماهنامه فرهنگی آزما* (تیر ۱۳۹۴) با زبان‌شناسان مشهوری مثل سجودی، صفوی و سمائی برای بررسی زبان‌های فراموش‌شده صنفی، مخفی، لوتره و دلایل پیدایش آن‌ها گفت‌وگو شده است.

رضایتی و ایران‌نژاد با مقاله مشترک «جامعه‌شناسی زبان مخفی» (۱۳۹۵) در سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی از منظر جامعه‌شناسی زبان به زبان مخفی نگریسته‌اند و جدیدترین پژوهش آنان کتاب *فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم آمریکا* (۱۳۹۷) اثر ریچارد الن اسپیزر، ترجمه بابک محقق و مسعود قاسمیان است که در مقدمه، فرهنگ‌های فارسی عامیانه را به شکلی گذرا معرفی کرده‌اند.

در این مقاله سعی شده در کنار یافته‌های پژوهشی بالا، با روش تحلیل محتوا از نوع کیفی، چند اثر دارای زبان مخفی در دهه هشتاد از منظر مطالعات فرهنگی، تحلیل زبانی - موضوعی شوند که عبارت‌اند از:

۱) *فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان* (۱۳۸۰) از مشیری، ۲) *کتاب سالن ۶: یادداشت‌های روزانه زندان* (۱۳۸۰) از نبوی، ۳) *کتاب نسل جوان ما چگونه سخن می‌گویند؟* (۱۳۸۱) از مستشارنیا، ۴) *فرهنگ لغات زبان مخفی* (۱۳۸۲) از سمائی.

۳. مبانی نظری: مطالعات فرهنگی در یک نگاه

مطالعات فرهنگی رویکردی بینارشته‌ای^۲ است که در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ در دانشگاه بیرمنگام انگلستان با افرادی مثل ریچاردز هوگارت^۳، استوارت هال^۴ و ریموند ویلیامز^۵ به دلیل نارضایتی از محدودیت‌های روش‌شناختی در رشته‌های علوم انسانی پایه‌گذاری شد. در این چند دهه پژوهشگران کوشیدند در بنیانی‌ترین مقولات نقد ادبی سنتی و سلسله‌مراتب‌نگری به تاریخ ادبیات و ویژگی ژانرهای ادبی تردید جدی ایجاد کنند (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۴۶-۳۴۷). علت استقبال از مطالعات فرهنگی در ادبیات به دلیل نارضایتی از تقسیم فرهنگ به دو دسته متعالی و عامیانه بود که اصحاب کلیسا نوآوری‌های موجود در ادبیات عامه‌پسند^۶ را فاقد ارزش هنری می‌خواندند و وظیفه ادبیات را پاکسازی اخلاقی جامعه می‌دانستند (همو، ۱۳۸۵: ۶۱). مقدس‌انگاری آثار

کلاسیک در محافل دانشگاهی، مانع محکمی در برابر نوجویی‌ها در فرهنگ ادبی مردم‌پسند بود (فلسکی و شاموی، ۱۳۸۸: ۳۲). اصحاب کلیسا «گمان می‌کردند ادبیات عامه‌پسند به مردم خیال‌پروری و خرافات می‌آموزد و آنان را از زندگی واقعی دور می‌کند» (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۴۷).

مطالعات فرهنگی با انتقال دانش و تبیین مسائل علمی، فرهنگی، اقتصادی و... به دنبال ارائه مدل‌های نظری و روش‌شناختی نوین برآمد تا به سازمان‌دهی گفت‌وگو با روش بینارشته‌ای پردازد (ژیرو، ۱۳۹۲: ۱۳۹-۱۴۵).

منظور از واژه فرهنگ در مطالعات فرهنگی، «آثار معتبر ادبی، فکری و هنری اصیل (Canon)، شیوه گذران اوقات فراغت، انجام شعائر مذهبی و ادبیات عامه‌پسند» (پاینده، ۱۳۸۵: ۶۱) است. بنابراین، مطالعات فرهنگی موازنه‌ای مبتنی بر مصالحه بین فرهنگ فاخر و عامیانه برقرار می‌کند (استوری، ۱۳۸۹: ۲۱). مطالعات فرهنگی عمدتاً مبتنی بر روش‌های کیفی از نوع مردم‌نگاری است که بر مطالعه میدانی و تجربه‌زیسته تأکید دارد (فاضلی، ۱۳۸۸: ۱۶۹). فعالیت‌های نظری این حوزه بیشتر به جنسیت، طبقه، هویت، استعمار، نژاد، قومیت، فرهنگ عامه‌پسند، رسانه‌های جمعی، متن و تعلیم و تربیت انتقادی می‌پردازد. دو معنای قدیمی و واجد دلالتی منفی در تفسیر فرهنگ عامه وجود دارد که مطالعات فرهنگی در پی تصحیح آن است: ۱. «عامه» به معنای «کهنتر» یا «دون‌مرتبه» و مترادف عامیانه که نمونه‌هایی از مصادیق آن عبارت‌اند از: «ادبیات عامیانه» یا «مطبوعات عامیانه». ۲. «عامه» به معنای «مورد پسند عوام یا افراد غیرروشنفکر» و مترادف عوامانه که نمونه‌هایی از مصادیق آن عبارت‌اند از: «سرگرمی‌های عوامانه» یا «روزنامه‌نگاری به سبک و سیاق عوامانه» (ویلیامز، ۱۹۸۳: ۲۳۷). امروزه مفهوم مطالعات فرهنگی توسعه یافته است و بیشتر وجهه انتقادی دارد.

مطالعات فرهنگی با رویکرد انتقادی، متشکل از دیدگاه‌های مختلف و متکثری است که فرهنگ را در ارتباط با آشنایی‌زدایی از روابط و مناسبات قدرت مطالعه می‌کند تا از این طریق کاربرد فرهنگ در زندگی روزمره و مفید بودن یا نبودن سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را به نقد بگذارد و گزینه‌های بدیل و جایگزین را معرفی نماید» (مک‌گویگان، ۱۳۸۸: ۱۱).

نظام‌های قدرت برای تداوم هژمونی و سلطه خود به نحوی نامحسوس و متقاعدکننده، نهادهای مدنی (مانند نظام آموزشی، رسانه‌ها و خانواده) را به خدمت می‌گیرند تا اندیشه‌ها و آراء و ارزش‌های یادشده را امری طبیعی جلوه دهند تا موازنه صلح‌آمیز اتفاق بیفتد (استوری، ۱۳۸۹: ۲۱). «فرهنگ معاصر، ترکیبی از فرهنگ نخبه‌گرا، سرمایه‌داری، مردم‌پسند و پر از خرده‌فرهنگ‌های متنوع است» (Barker, 2003: 52). از این رو، نوعی ذهنیت دوگانه در مردم پدید می‌آید و اعتقاداتشان تناقض‌آمیز جلوه می‌کند؛ مثلاً از یک سو، ذوق زیبایی‌شناسی دوران معاصر آثار صرفاً تعلیمی را نمی‌پسندد و گرایش به ادبیات عامه‌پسند در فضاهایی غیرآکادمیک، مثل محیط‌های مجازی، گروهک‌های دوستانه و ... رو به گسترش است و سعی دارد تا قرائت جدید و گاه انتقادی و نقیضه‌آمیزی از متون ادبی، اخلاقی و تعلیمی گذشته ارائه دهد (فلسکی و شاموی، ۱۳۸۸: ۳۶) و از سوی دیگر، برخی مجامع رسمی و سنتی‌گرایان در برابر هر نوع تغییرات فرهنگی و زبانی در گفتار و متن مقاومت می‌کنند و با نامتعالی‌خواندنش در پی حذف و یا جایگزینی این فرهنگ و زبان با فرهنگ و متن قبلی هستند. در این بین مطالعات فرهنگی نیز مخالفان سرسختی دارد که معتقدند: «ورود مطالعات فرهنگی منجر به تضعیف علوم اجتماعی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی فرهنگی و نظایر آن شده است» (Inglis, 2003: 20).

مطالعات فرهنگی بازتولیدی از خاستگاه اولیه آن، یعنی مکتب بیرمنگام انگلستان است. بنابراین، تنها به مظاهر زندگی مدرن غربی توجه دارد و به زندگی حاشیه‌نشینان، طبقات کارگری و فرودست نپرداخته است و با بحث‌های به‌ظاهر روشنفکرانه و غرب‌گرایانه در تعارض با ارزش‌های انقلابی و سیاسی ایران قرار دارد (کاظمی و حاج حسینی، ۱۳۹۴: ۷۸-۷۶).

از دید منتقدان غربی، پیچیدگی مطالعات فرهنگی به‌مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌های پژوهشی و درحقیقت حاکی از پیچیدگی خود «فرهنگ» است (Johnson, 1987:40). در جامعه مردم‌سالار و چندصدایی نمی‌توان هیچ متنی را به بهانه نامتعالی بودن از حوزه نقد ادبی خارج کرد، مخصوصاً ادبیات عامه‌پسند که بیانگر علایق اکثریت مردم است نه اقلیتی ناچیز. ملحوظ کردن ادبیات عامه‌پسند در مطالعات فرهنگی نقد ادبی انواعی از گفتمان‌های متغیر را در خود جای می‌دهد. گفتمان‌هایی که به

فراخور برهه تاریخی تولیدشان دلالت‌های متفاوتی درباره فرهنگ دارند (پاینده، ۱۳۸۹: ۶۹-۷۰).

از بین جریان‌های نوجویانه، خرده‌فرهنگ جوانان در مطالعات فرهنگی اهمیت بسزایی دارد. خرده‌فرهنگ جوانان با کنار هم گذاشتن واژه‌های بدیع و هزل‌آمیز، زبان مخفی را می‌سازد که نسبت به گفتار محاوره دوام کمتری دارد، به سرعت تغییر می‌کند و بیشتر با حوزه‌های تابویی جامعه مرتبط است (Rodman, 1988: 276). این خرده فرهنگ به عنوان نیرویی مرکزگریز، با ایجاد شکاف و گسست در روند استمرار و تداوم گفتمان مسلط، نظم طبیعی مسلط را برهم می‌زند و از آنجا که صبغه کارناوالی دارد، به دلیل گسست از گفتمان مرکز، مثل به چالش کشیدن تابوهای دینی، جنسی، سیاسی و فرهنگی جامعه، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهد. در این گفتمان، مؤلف، متن و مخاطب متن دارای ذهن بارور و فربه از گفتمان‌های جاری هستند. این کارناوال زبانی با واژه‌هایی رکیک، هجوآمیز، گستاخ و بی‌پرده، از مرزهای اخلاقی و هنجاری جامعه می‌گذرد و جوانان، خود هم سوژه خنده و هم اُبژه آن می‌شوند (رجبلو و علیخانی، ۱۳۹۴: ۷۹).

همان‌طور که جامعه با قوانین تحمیل‌شده حکومتی محدود می‌شود، زبان رسمی هم به عنوان نهاد قدرتمند برای نهادینه کردن یک زبان متداول یا به اصطلاح معیار، خرده‌زبان‌ها را به مبارزه می‌طلبد؛ اما چون زبان مرکزگریز و تکثرپذیر توان کمتری برای مقابله با زبان رسمی یا مرکزگرا دارد، در قالب خرده‌فرهنگ به حیات خود ادامه می‌دهد و هر چه زبان مرکزگرا می‌کوشد تا به آشفتگی‌های زبانی خرده‌زبان‌ها سامان دهد، موفق نمی‌شود و جدالی بی‌پایان بین این دو وجود دارد (تودوروف، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

۴. پیکره‌شناسی فرهنگ‌های زبان مخفی

خلاف تصور عموم، تدوین فرهنگ زبان عامیانه، به‌ویژه زبان مخفی کاری ذوقی و تفننی نیست؛ بلکه روشمند و اصولی است؛ زیرا «فرهنگ تنها مرجع برای یافتن واژه‌ها، تلفظ و معنای آن‌هاست که کاربران زبان در کنارش، مفاهیمی مثل مرجعیت، اعتبار و دقت و درستی را هم می‌آموزند» (سارلی، ۱۳۹۲: ۶۸). هر فرهنگ معتبر ساختار کلان^۷ و

خُرد^۸ دارد: ساختار خُرد طرح و ساختار داخلی هر فرهنگ است که اطلاعات ریز و دقیقی درباره واحدهای واژگانی از قبیل املا و تلفظ، هویت دستوری، اطلاعات سبکی، کاربردی، تاریخی، معنا و تعریف، شاهد/ مثال و اطلاعات ریشه‌شناختی را در بردارد. در برخی فرهنگ‌ها اطلاعات تصریفی، مترادف‌ها و متقابل‌ها نیز از مجموعه اطلاعات واحدهای واژگانی است. ساختار کلان همان نظام درونی کل فرهنگ از قبیل سرواژه‌ها، فهرست اعلام و جدول‌هاست که با آن می‌توان پیکره زبانی، دایره انتخاب واحدهای واژگانی، طبقه‌بندی سرواژه‌ها به اصلی و فرعی و مرتب‌سازی سرواژه‌های فرهنگ را شناخت (قطره، ۱۳۸۶: ۷۰-۷۲).

با اینکه همه فرهنگ‌های دارای زبان مخفی از نظر تنوع واژگان، تازگی، پیروی از نظم الفبایی، شفافیت معنا و بیان شاهد مثال تا حد زیادی شبیه هم‌اند؛ اما از نظر پیکره-بندی ساختار کلان (مقدمه، بدنه، منابع) و ساختار خُرد (اطلاعات زیرمدخلی) روش یکسانی ندارند که عبارت‌اند از:

۱. فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان (۱۳۸۰) از مشیری که برگزیده دویست‌هزار فیش‌نوشته فرهنگ بزرگ زبان فارسی است؛ درواقع، هدف اولیه مشیری در گردآوری داده‌ها، تدوین فرهنگ بزرگ زبان فارسی خود بوده است و در آغاز با هدف گردآوری اصطلاحات عامیانه جوانان این فرهنگ را تدوین نکرده است. از این رو «از بین ۱۱۸۰ مدخل او، تنها هشتاد درصد متعلق به زبان مخفی و بقیه زبان جاهلی/ لاتی با همان اصطلاحات زبان عامیانه قدیم است؛ مثل دمت گرم، از دماغ فیل افتادن» (سمائی، ۱۳۸۲: ۱۲) و مشیری در پیش‌گفتار، فرهنگ خود را این‌گونه معرفی کرده است:

شهر لوطی‌های زبان فارسی و گزارشی است از این شهر ... من در شهر لوطی‌ها، رد پهلوان اکبرها و بابا شمل‌ها و مردای محل، رد راننده‌های کامیون زحمتکش، رد مکانیک‌های لوطی‌مسلك، رد حبسی‌کشیده‌ها، رد جوانان جان برکف جبهه، رد شوق و شیطنت شاگردمدرسه‌ها و ذوق و ذکاوت دانشجویان را پیدا کردم (۱۳۸۱: ۸).

از این جملات می‌توان فهمید که روش کار مشیری میدانی است؛ اما عملاً در فرهنگش از روش گردآوری کتابخانه‌ای هم استفاده کرده و نامی از منابعش نیاورده

است؛ مثلاً مدخل‌هایی که با نام اختصاری «جب» مشخص شده‌اند از فرهنگ جبهه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) فهیمی آمده‌اند. فهرست کوتاه‌نوشته‌های کتاب شکل آشفته‌ای دارد؛ مثلاً می‌توانست نقش دستوری و بلاغی، تبارشناسی واژه، کاربرد واژه در حرفه‌های خاص را در فهرست‌های جداگانه بگنجانند. با اینکه مشیری زبان‌شناس بوده است و تجربه تدوین چهارده فرهنگ‌های رسمی و غیررسمی مثل فرهنگ جامع زبان فارسی (۱۳۷۵)، فرهنگ اتباع و اتباع‌سازی در زبان فارسی (۱۳۷۹) و ... را نیز داشته است، بدنه فرهنگ او در تعیین هویت دستوری مدخل‌ها و ترجمه یا آوانگاری‌های مختلف از یک واژه نیاز به ویرایش مجدد دارد؛ مثلاً آسفالت به معنی «مخلوط قیر و ماسه که برای پوشش خیابان، جاده و پشت بام به‌کار می‌رود / آسفالت» (ص ۲۰) در یک فرهنگ زبان عامیانه نیاز به توضیح ندارد. در عوض، گاه برخی واژگان دشوار معنا نشده‌اند؛ مثل چلغوز (ص ۵۸) و چولی (ص ۵۹) فقط اصطلاحی معنا شده‌اند یا برخی مدخل‌ها تنها به مترادف معنا شده‌اند؛ مثلاً صلابه (ص ۹۰)، به باد گلو (ص ۳۰).

۲. یادداشت‌های روزانه زندان (۱۳۸۰) از سید ابراهیم نبوی، جامعه‌شناس که عنوان فرهنگ ندارد؛ اما با ۶۹۴ مدخل و نظم الفبایی و آوانگاری، پژوهش میدانی زبان خلافاً کاران زندانی است که می‌تواند به زندان‌بانان و مقام‌های امنیتی کشور برای فهم زبان خلافاً کاران کمک زیادی کند؛ اما چون هدف نبوی از این گردآوری میدانی تدوین فرهنگ نبود، ساختار پیکره زبانی فرهنگ‌های معتبر مثل تعیین هویت دستوری واژه، شاهد مثال و نکته‌های اضافی در آن موجود نیست. برخی مدخل‌های هم در بیرون از زندان نیز به‌کار می‌روند؛ مثل هلو: جذاب و خوش‌قیافه؛ و دوچرخه: اسم رمز برای افراد تاس (همان، ۳۷۰-۴۱۱).

۳. نسل جوان ما چگونه سخن می‌گویند؟ (۱۳۸۱) از عفت مستشارنیا، استاد ادبیات، کتابی کم‌حجم بدون عنوان فرهنگ با مقدمه‌ای کوتاه درباره زبان عامیانه است که مستشارنیا واژگان گنگ و خنده‌دار دانشجویانش را در سه دسته دستوری با نام اسم‌ها، ترکیب‌های اسمی و فعلی جمع، تقسیم‌بندی و معنا کرده است. ضعف عمده این کتاب محدود بودن واژگان و عدم استفاده از روش تنظیم الفبایی و آوانگاری و ریشه‌شناسی آن‌هاست. درحقیقت این کتاب جزو منابع ردیف دوم فرهنگ‌نویسان زبان

مخفی محسوب می‌شود. البته مقاله حاج هاشمی و رفیعی - که اصطلاحات دانشجویان اصفهان را گردآوری و تحلیل کرده‌اند - می‌تواند ادامه کار مستشارنیا باشد.

۴. فرهنگ لغات زبان مخفی با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان (۱۳۸۲) از سمائی از فرهنگ‌نویسانی است که کارش شیوه ذوقی دارد. او مدخل‌ها را در قالب شش دسته عام، رایج، محدود، منسوخ، پسرانه و دخترانه (سمائی، ۱۳۸۲: ۲۶) مدرج‌سازی کرده است. البته اگر قرار باشد واژگان «عام، رایج و منسوخ» جزو زبان مخفی باشند، پس نباید کار سمائی فرهنگ لغات زبان مخفی نام می‌گرفت. او می‌توانست برچسب عام و رایج را یکی کند. از سوی دیگر، واژگانی مثل تایتانیک (جوان پیر و مد) (ص ۴۱) را حذف کند.

گاه مرز زبان مخفی در این فرهنگ مخدوش شده است؛ مثلاً مدخل‌هایی مثل چاچول (هالو)، آنگول (شخص غیرمتعارف، عوضی)، تریپ (چیز، نوع، جور) (سمائی، ۱۳۸۲: ۳۴، ۴۱، ۴۵) عام خوانده شده و در مقابل، مدخل‌هایی چون اسپید (هروئین)، الیچ (حشیش) که خاص این زبان و کاملاً مخفی است (همان، ۳۴، ۳۵) برچسب رایج دارند. واژگانی مثل باحال، بی‌ریخت، هلو، حال‌گیری، یزید شدن و ... واژگان مخفی نیستند و به قشر خاصی تعلق ندارند. همچنین، برخی مدخل‌ها تک‌بعدی معنا شده‌اند؛ مثلاً سگ در معنی نامزد (عام) (ص ۵۹) می‌تواند توهینی برای افراد بداخلاق نیز باشد یا تریپ داشتن (دعوا داشتن) (ص ۴۱) فقط به این معنا نیست و معنای خوش‌تیپ کردن نیز دارد. سمائی نقش دستوری و گاه بلاغی مدخل‌ها را تعیین نکرده است. او گاه مرز جمله مثال و شاهد مثال را با نشانه‌های قراردادی تعیین نکرده است؛ گویی با ساخت جمله‌های خودساخته سعی کرده است از بار تحقیری برخی مدخل‌ها بکاهد؛ مثلاً هویج به معنای رفتگر شهرداری: «هویج‌ها آدم‌های زحمتکشی هستن» یا یاهو به معنی پلیس ۱۱۰: «اگه مزاحم بشی می‌رم یاهو رو خبر می‌کنم!» (ص ۸۵، ۸۶).

سمائی روش کارش را میدانی، یعنی مصاحبه، پرسش و گفت‌وگو با دانش‌آموزان و دانشجویان منطقه پایین و بالای شهر تهران معرفی کرده است؛ اما هیچ توضیح دقیقی درباره سهم هر یک از این مناطق در داده‌های این فرهنگ نداده است. گسترده‌ترین حوزه معنایی زبان مخفی او تحقیر و تمسخر جنس مؤنث، طبقات متوسط و فرودست

جامعه و غیر تهرانیان است. خطاب واژگانی مثل منیجه، بتول، ام‌الجواد، شهلا، اقدس (همان، ۱۱۶) و «حسن، عبدالله، عباس، جواد، ابوالحسن [که اسامی مقدسی هستند] به زنان و مردان روستایی یا اهالی شهرستان با آداب و رسوم و شیوه سخن گفتن آنها» (همان، ۱۰۳) از همین نمونه‌هاست. سمائی روی مدخل‌هایی که معنای رکیک داشته‌اند، برچسب نگرش نزده است. از این رو، مخاطب نمی‌داند برخی از این مدخل‌ها در هر جایی کاربرد ندارند. برخی مدخل‌ها مثل «ان‌تا» در معنی خیلی زیاد (ص ۳۵) برچسب نگرش ندارد.

ارجاع‌دهی‌ها گاه نادرست است؛ مثلاً مشقش کرد (ص ۷۹) به اعصاب ارجاع شده؛ اما خبری از واژه اعصاب نیست، همچنین برخی مدخل‌های سمائی نادرست معنا شده‌اند؛ مثلاً کیگایی (ص ۷۴) نام روستایی در امامزاده داوود است و تغییر یافته کیاکلا نیست. دسته‌بندی سیزده‌گانه موضوعی این فرهنگ در پایان کتاب، زیاد است (رجب‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۷)

و می‌توانست به پنج دسته فریب‌کاری، غیراخلاقی، تمسخر، مخفی‌کاری امنیتی و مواد مخدر تقلیل یابد.

۵. تحلیل زبانی فرهنگ‌های منتخب با تکیه بر مطالعات فرهنگی

بر اساس تحقیقات زبانی مؤمنی، «شیوه‌های پرکاربرد ساخت زبان مخفی در زبان فارسی که با معیارهای جهانی واژه‌سازی مطابقت دارد، عبارت‌اند از: ابداع، گسترش معنایی، قرض‌گیری، تخفیف و ترکیب» (۱۳۸۹: ۶۷).

۵-۱. ابداع: ابداع یعنی ساخت واژه جدید بدون زمینه قبلی (حاج‌هاشمی و رفیعی، ۱۳۹۶: ۱۷). واژگان و تعابیر زبان مخفی عموماً با استعمال واژگان و عبارات گنگ و بی‌ریشه صورت می‌گیرد؛ چون هدف عمده این زبان مخفی‌کاری است. بنابراین، هر چه واژگان عجیب‌تر و گنگ‌تر باشند، مخفی‌تر باقی می‌مانند مگر اینکه بر اثر تکرار رمزگشایی شوند؛ مثل نمونه‌های ابداعی زیر:

— شِرتی شِپِکی: الکی و بیخودی؛ تحریفی از الکی پَلکی (مشیری، ۱۳۸۰: ۶۱).

— گُنکورد: دارای بینی دراز و کشیده (مستشارنیا، ۱۳۸۱: ۲۴).

۵-۲. **گسترش معنایی:** در گسترش معنایی یا گسترش استعاره‌ی ظاهراً همان واژه در زبان معیار وجود دارد؛ اما در زبان مخفی معنای کاملاً متفاوتی به خود می‌گیرد که شبیه استعاره‌ی عنادیه یا صنعت تهکم در بلاغت سنتی است. تنها از طریق بافت کلام و حضور در موقعیت صحبت به معنای استعاره‌ی این دسته از واژگان می‌توان پی‌برد و گاهی قرینه‌ای برای پیدا کردن منظور گوینده وجود ندارد؛ مثلاً واژه‌ی ترکی «دیشلمه» به معنای دلچسب در زبان مخفی معنای حشیش می‌دهد و یا اسپید معنای هروئین می‌دهد. درمقابل، واژگانی مثل کاکتوس، مأخذ و ژولیت در زبان خلافکاران معنای پلیس می‌دهند (سمائی، ۱۳۸۲: ۳۲).

نقیضه‌سازی کلمات، ترکیبات و کنایات، گذر واژگان از معنای عام به خاص و برعکس، ساخت افعال جعلی، کنایه‌ها و صفت‌ها و قیده‌های نو را هم می‌توان در حوزه گسترش معنایی جای داد. البته این کار به اطلاع از دانش‌زبانی، حافظه‌ی جمعی و هوش گویشوران بستگی دارد تا مخاطبان بتوانند تقابل معنی اصلی با معنی ثانویه را دریابند. در نقیضه‌سازی کلمات، افراد با توجه به اوضاع اجتماعی جامعه و تکنولوژی روز و ویژگی‌ها و سلاقی رفتاری - زبانی خود آن را به‌روزرسانی می‌کنند؛ مثلاً تعارف «مخلصیم و چاکرتیم» در زبان جوانان این‌گونه نقیضه شده است: «آتیش سیکارتیم، - آشغال گوششتیم، آفتابه‌تیم، بندکفشتیم، قالباکتیم، سوسکتیم، نمره‌کفشتیم و ...» (مشیری، ۱۳۸۰: ۵۴). همچنین، یک احوال‌پرسی ساده را با استفاده از ظرفیت دومعنایی برخی کلمات و افعال جعلی نقیضه کرده‌اند:

- لام [سلام] - حالت چه رنگیه ؟ [حالت چگونه ؟] - رفלקست تنظیمه؟ [خوبی؟] - بتعریف [تعریف کن].

- پاسخ : «لام. حالمو دادم موکت کنند» (مستشارنیا، ۱۳۸۱: ۱۸).

ساخت افعال جعلی یا تبدیل اسم و صفت به افعال ساده، مثل باخیدن، بازیدن، تیغیدن، چاپیدن، خفیدن، داغیدن، زردیدن، ذوقیدن، سوتیدن، شوتیدن، گپیدن، گازیدن، مریضیدن و ... (مشیری، ۱۳۸۰: ۱۱۷) در گسترش افعال ساده نقش دارد، ساخت صفت‌های عامیانه جدید هم در گسترش معنایی مؤثر است؛ مثلاً در زبان عامیانه با واژه‌های ابو و خر، صفت‌های مبالغه ساخته‌اند؛ مثلاً ابوالدماغ، خرشوت و خرخون (همان، ۶۴).

در زبان عامیانه گاهی برخی عبارت‌های فعلی معنای صفتی می‌دهند؛ مثل مکش مرگ ما: جذاب و پُرافاده (همان، ۱۱۴).

برخی از این صفت‌ها نیز با ترکیب صوت و آوا در زبان‌های قومیتی مثل ترکی ساخته شده‌اند و کم‌کم وارد زبان عامیانه معیار شده‌اند؛ مثل بوجورتا: خیلی، بسیار (سمائی، ۱۳۸۲: ۳۸).

ساخت کنایه‌های نو با حفظ همان مضامین قبلی نیز جزو گسترش معنایی است؛ مثلاً در گذشته گره به باد زدن، آب را الک کردن، باد در قفس کردن، روی آب نوشتن کنایه از کار بیهوده کردن بوده است که امروزه بادمجون واکس زدن، گل لگد کردن و ... بیشتر کاربرد دارد یا سر کسی کلاه گذاشتن، به شکل غال/ قال گذاشتن، رنگ کردن، فیلم کردن، دو دره کردن، رکبی زدن، گول مالیدن به کار می‌رود که با تحولات روز جامعه همخوانی دارد یا از بازی با اعداد و وسایل نقلیه کنایه‌های جدیدی ساخته‌اند؛ همچون:

- سه کردن: در هنگام امتحان رانندگی با کامیون برای دریافت گواهینامه پایه یک اگر به جای دنده یک به اشتباه پا را بر روی دنده سه بگذارند، مردود می‌شوند و می‌گویند: «سه شد». همچنین زندانی‌ها هم وقتی می‌خواهند به هم اطلاع دهند که اوضاع خراب است می‌گویند: «دو و سه است». «مخش سه می‌کنه: کله‌اش خراب است»، «سه بوقش دسته: نقطه ضعفش دسته» (مشیری، ۱۳۸۰: ۸۴، ۹۹).

ساخت قیده‌های نو هم در گسترش معنایی نقش دارد؛ مثلاً در زبان عامیانه «گاهی» هرگز به معنای همیشه است. واژه وحشتناک که معنی صفتی دارد، به معنای قید خیلی زیاد است؛ مثلاً چاکرتیم وحشتناک (همان، ۱۲۱). سه‌سوت (سریع) چماقی (کلی) یهویی/ زرتی (ناگهانی) (همان، ۷۳، ۹۵، ۱۲۸).

۳-۵. قرض‌گیری: واژگان قرضی یا وارداتی که از سایر زبان‌ها به زبان مبدأ وارد شده‌اند، به دلیل خاصیت ترکیبی بودن دستور زبان فارسی اغلب واژگان قرضی کامل نیستند و قرضی نسبی هستند (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۷۴). جوانان از طریق آموزش در کلاس‌های زبان، مدرسه و فضاهای مجازی آشنایی بیشتری با زبان‌های بیگانه دارند. آنان واژگان زبان بیگانه را برای نشان دادن مهارت تکلم خود و یا سنجیدن هوش زبانی مخاطبان

نقش مطالعات فرهنگی در تحلیل کارکرد زبان مخفی... _____ قدسیه رضوانیان و همکاران

به کار می‌برند. درک معنای واژگان تیره تنها از طریق مراجعه به فرهنگ واژگان زبان مبدأ و ریشه‌شناسی آن‌ها امکان‌پذیر است؛ مثل زاخار (zāxār) و داف (dāf) که در زبان کلیمی به ترتیب معنای پسر و دختر (سمائی، ۱۳۸۲: ۴۲) یا پلاس پلاس به معنای قید خیلی زیاد، برگرفته از plus انگلیسی است (همان، ۳۹). گاهی واژگان وارداتی را با واژگان ملی ترکیب کرده‌اند:

- محبت کانتری: ترکیب واژه محبت با سرزمین (country) انگلیسی، معادل حال یونایتد، صفاسیتی، عشق استیت (مشیری، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

- اتو (Auto) مرسی (Merci): سفر مجانی (سمائی، ۱۳۸۲: ۳۴).

۴-۵. ترکیب و تخفیف: با ترکیب می‌توان دو یا چند واژه را در هم ضرب کرد و واژه جدیدی به دست آورد که در زبان‌شناسی به آن تک‌واژه ریشه‌ای می‌گویند (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۷۷). بیشتر ترکیب‌ها با تخفیف همراه‌اند؛ برای تخفیف یا کوتاه‌سازی گاهی برای ساختن یک واژه یا هجایی از یک کلمه یا عبارت پایه را حذف می‌کنند و اگر این عمل در جایگاه آغازی یا میانی رخ دهد، کوتاه‌سازی است؛ مثل اوچیکتیم به جای کوچیکتیم و اگر در جایگاه پایانی رخ دهد، ترخیم می‌گویند (حاج هاشمی و رفیعی، ۱۳۹۶: ۱۷)؛ مثل چمنتیم: [مخفف چاکرتیم، نوکرتیم و مخلصتیم] (مستشارنیا، ۱۳۸۱: ۲۱). گاهی با ترکیب حروف اول کلمات سرواژه‌سازی می‌کنند؛ مثل: K.B.T (کبریت بی‌خطر تبریز) (مشیری، ۱۳۸۰: ۳۹).

در برخی لهجه‌های ایران در محاوره برای افزودن نمک کلام و کم‌کوشی، کلمات مخفف شده‌اند؛ مثلاً یُخده به جای یه‌خرده. برخی نیز ذوقی و ابتکاری‌اند:

- یخما: یخ + سرما: سرمای طاقت‌فرسا (همان، ۱۲۶).

قیدهای مخفف و مرکب ابتکاری نیز با اضافه‌های اتباعی همراه‌اند و در جمله نقش صفتی دارند:

- هچلهفت / قاراشمیش / هردمبیل / هرکی هرکی / هپل هپو / شیرتوشیر: درهم و برهم و قاطی‌پاتی (همان، ۱۲۲-۱۲۳).

۶. تحلیل کارکرد زبان مخفی در فرهنگ‌های منتخب با رویکرد مطالعات فرهنگی

برای تحلیل کارکرد فرهنگ‌های زبان فارسی عامیانه شناخت اوضاع سیاسی - اجتماعی دهه هشتاد ضروری است. در این دهه مطالعات فرهنگی به عنوان گرایشی بینارشته‌ای در علوم اجتماعی به اوج خود رسید. استقبال از این گرایش نوظهور تا حد زیادی تابع شرایط سیاسی - اجتماعی ایران در این دهه بود. گذشت بیش از یک دهه از جنگ ایران و عراق و تأثیرات و محدودیت‌های فرهنگی آن، به‌ویژه روی کار آمدن دولت اصلاحات، ثبات و آزادی نسبی در فضای عمومی، ورود پرتراکم متولدین دهه شصت به دوران نوجوانی و جوانی و مواجهه آن‌ها با دو قطبی‌های سیاسی و سلیقه‌ای از سویی و گشوده شدن جهان اینترنتی به روی آنان از دیگر سو، جامعه را در معرض نوع خاصی از دگردیسی قرار داد که در نیمه دوم دهه هشتاد جریان‌های بازدارنده این آزادی نسبی به اوج رسید. همچنین، افزایش فارغ‌التحصیلان بیکار و نبود بازار کار متناسب با رشته تحصیلی آنان و در پی آن

گسترش افزایش اوقات فراغت، تورم، عوام‌گرایی و پوپولیسم، محدودیت در دسترسی آزاد به اطلاعات، افزایش مهاجرت نخبگان فکری، زمینه محدودیت در آزادی فردی و در نهایت، بی‌اعتمادی طبقات پایین جامعه به طبقات بالاتر را فراهم کرد و سبب افزایش میزان جرم و جنایت، شکاف‌های اجتماعی، ناامنی روانی و ناامیدی از آینده در بین مردم، به‌ویژه جوانان گردید (راووداد و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). در پی این مسائل، «فقدان امکانات اقتصادی، دوگانگی محیط دانشگاه و بیرون و سرخوردگی‌های عاطفی موجب شد جوانان روحیه‌ای سنت‌ستیزانه بیابند و از نظر اعتقادی نیز گاه سست شوند» (امام‌جمعه‌زاده و نبات‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۹). روند سریع فرهنگ‌های حاوی واژگان رمزی از واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه و غلظت استعاری آن‌ها در دهه هشتاد به این سو، نشان از چندلایه شدن فرهنگ عمومی واحد به خرده‌فرهنگ‌هایی دارد که گاه در مسیر خلافِ هنجارهای حاکم حرکت می‌کنند و به سمت متنوع شدن زبان و فکر در حرکت‌اند. دیگر نسل جوان از ضرب‌المثل‌ها و تعابیر قدیمی چندان استقبال نمی‌کنند و در پی ساخت فضای گفت‌وگویی خاص خود هستند. اساساً در جوامع ایدئولوژیک، جوانان خطری بزرگ برای نهادهای فرهنگی تلقی می‌شوند؛ زیرا بر این باورند که آنان فرهنگ‌های بومی و ملی را از بین می‌برند، مرز

بین فرهنگ عالی و عامیانه را درهم می‌شکند و هویت خود را در آزمون و خطا می‌سازند (افراسیابی و خرم‌پور، ۱۳۹۴: ۲۰۰). مسائلی مثل زوال عاطفه و بی‌تفاوتی به رنج‌های دیگران، سیالیت روابط (دوستی‌های زودگذر، روابط سرد با دیگران، و بی‌اعتقادی به ازدواج دائم)، بازاندیشی، نسبی‌گرایی فرهنگی، تعیین سرنوشت فرد به دست خود، آزادی در تغییر ظاهر بدن خود و تعیین آن به‌مثابه هویت، مصرف‌محوری و میل شدید به خرید و تعویض اثاثیه و مبل‌مان و وابستگی شدید به مُد از ویژگی‌های فرهنگ فرانوگرایی در جوانان است (همان، ۲۰۱) که در فرهنگ‌های کلان‌شهری بیشتر دیده می‌شود و در آن نمادها بیشتر به سمت بصری‌شدن در حرکت‌اند (چاوشیان و آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۵۹).

بیشترین عرصه نوجویی زبان مخفی در حوزه مفردات و اصطلاحات، بدون آسیب زدن به ساختار نحوی زبان فارسی رخ می‌دهد که از خشکی زبان رسمی می‌کاهد. از این رو، تحصیل‌کردگان هم با انگیزه‌هایی مثل بذله‌گویی، خوداظهاری و تقلید، این زبان را در گفتار خود به کار می‌برند؛ اما بیشترین دغدغه سیاست‌گذاران فرهنگی، تحریف زبان نیست، بلکه رسوخ جدی این خرده‌فرهنگ‌ها یا مهمانان ناخوانده در فرهنگ عمومی و تهدید فرهنگ معیار است که مبدا به مردم بی‌ادبی و حرمت‌شکنی در کلام را پیام‌وزد. فرهنگ‌نگاران جامعه‌شناس و زبان‌شناس با مشاهده بسامد بسیار واژگان و اصطلاحات تابوگریز و گاه ضدسیاسی و مذهبی در گفتار روزمره جوانان در فضاهای مجازی به جای مقابله با این زبان، به فکر جمع‌آوری و نقد فرهنگ‌هایی با موضوع واژگان و اصطلاحات عامیانه افتادند که می‌توان با مشاهده مدخل‌های هر چهار فرهنگ کارکردهای زیر را برای زبان مخفی متصور شد:

۶-۱. زبان مخفی به‌منزله نوعی سانسور

زبان مخفی که در آغاز بیشتر در بین خلافکاران و گروه‌های مخالف با هنجارهای اجتماعی رایج شد، از زبان به‌عنوان ابزاری برای سانسور و مثبت جلوه دادن شکل‌های جرم و جنایت استفاده کرد. برای مثال توصیف جذاب از فیلم‌های ضداخلاقی به «فیلم سوپر، مجرّدی و آموزشی» (سمائی، ۱۳۸۲: ۸۸)، توصیف نامفهوم از مواد مخدر برای جذب جوانان و ریختن ترس آنان از افتادن در دام اعتیاد، مثلاً ترحلوا (تریاک)،

شریت خوری (دوره ترک اعتیاد در زندان) (مشیری، ۱۳۸۰: ۴۸، ۸۷)، پنیتر، خر، اِتل و ایج (حشیش) و اسپید (هرویین) (سمائی، ۱۳۸۲: ۹۸) که برای زندانبانان و پلیس رمزآلود باشد، نشان از تغییر نگاه‌های ارزشی، پیچیدگی جامعه و گسترش خرده‌فرهنگ‌های گاه نابهنجار و ضد اخلاقی در جامعه فعلی دارد. البته، در این میان زنان و دختران کمتر از واژگان مخفی برای سانسور استفاده می‌کنند. آنان بیشتر برای توصیف حالات فیزیولوژیک خود، واژگان را مخفی می‌کنند که بیشتر جنبه طنز دارد. مگر اینکه از قشر پایین اجتماع باشند که به جهت درگیری با نامالایمات زندگی و حضور در عرصه‌های مردانه، شیوه گفتار متین و موقر زنانه را از دست داده باشند (اعتضادی و علمدار، ۱۳۸۷: ۴).

۲-۶. زبان مخفی شیوه‌ای برای اعتراض

«در هر جامعه خطوط قرمزی وجود دارد که نشانه حفاظت از تابوهاست. تابوها از باورهای دینی، اخلاقی و هنجارهای اجتماعی شکل گرفته‌اند. سرپیچی از آن‌ها حرمت‌شکنی تلقی می‌شود و مجازات‌هایی به همراه دارد» (ایرانی، ۱۳۸۹: ۴۵). زبان جوانان بیشتر به حریم تابوهای اخلاقی و سیاسی تعرض می‌کند (رجبلو و علیخانی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). تبیین چرایی این تعرض می‌تواند ابزار مناسبی برای شناخت زیست‌جهان فرهنگی جوانان، آهنگ تغییر نگاه و اعتقاد جوانان، نفوذ فرهنگ بیگانه در فرهنگ خودی و پیش‌بینی آینده زبان عامیانه و سپس زبان معیار باشد. زبان مخفی با سخره گرفتن فاصله اخلاقی بین دانش‌آموزان با معلمان و کادر مدرسه، دانشجویان با استادان، فرزندان با والدین سعی در برهم زدن هنجارهای تثبیت‌شده دارد؛ مثل تشبیه اتاق مطالعه به دستشویی تمیز (مشیری، ۱۳۸۰: ۲۳)، تشبیه ناظم و مدیر مدرسه به گشتاپو، ملا کردن (پس ندادن مال امانتی) (سمائی، ۱۳۸۲: ۷۵، ۷۹).

ترس از نیروی انتظامی و مقامات امنیتی که در گذشته از تابوها بود، در دو دهه اخیر به سخره گرفته شده است؛ مثلاً تشبیه پلیس سبزپوش به کاکتوس، کفتر، گاریکی، آجان، زیدی، کلان، اطل، مأخذ، ژولیت، تی تی (همان، ۱۱۶). البته، برخی واژگان مخفی هم هدف اصلاحی و پوششی دارند؛ مثلاً به خانم‌های با آرایش غلیظ، کیک خامه‌ای و به تجدید آرایش خاک روی خاک کردن (مستشارنیا، ۱۳۸۱: ۶۴) می‌گویند.

۳-۶. زبان مخفی وسیله‌ای برای تفریح و سرگرمی

تا چندی پیش که فضای مجازی و امکان گمنام ماندن هویت مهیا نبود؛ به دلیل معذوریت‌های دیداری، واژگان مخفی و گاه رکیک تنها در فضاهای بسته و خلوت یا خودمانی استعمال می‌شد و نسل جوان و پیر تفاوت زبانی چندانی با هم نداشتند. این واژگان تقریباً برای عموم مردم شفاف و آشنا بود؛ اما اکنون برخی افراد فقط برای لذت و سرگرمی با تمسخر دیگران احساس قدرت و برتری می‌کنند. این رفتار زبانی در آموزه‌های دینی ایرانیان و مسلمانان اقدامی ناپسند و نشان از سستی اعتقادی - اخلاقی کاربران این زبان قلمداد می‌شود. طبق آمار سازمان ملی جوانان، بیشتر بلاگرها مرد هستند. از منظر جامعه‌شناسی زبان، دختران در جریان جامعه‌پذیری طوری تربیت می‌شوند که رفتار آنان متضمن احتمال، احترام، تسلیم و ضعف در قدرت باشد (Weateral, 2002 : 55). در حالی که پسران و مردان با این حساسیت روبه‌رو نیستند. از این رو، بسامد توهین به سوژه دخترها و زن‌ها در وبلاگ‌ها بیشتر از پسرها و مردهاست. تشبیه دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله به فنتل (fentel)، فنچ یا فنچول (fencul) و الک دولک (سمائی، ۱۳۸۲: ۶۹)، توصیف افراد پیر و سال‌خورده به عتیقه (مستشارنیا، ۱۳۸۱: ۳۱)، افراد لاغر به چوب‌کبریت / ریغماسی / نفله (مشیری، ۱۳۸۰: ۷۶)، توصیف افراد چاق به بلدوزر / برزو / چاقال / چیفتن / خیکی، غول بیابونی (همان‌جا)، تشبیه افراد نازیبا به ملخ / منیجه / زاغارت / خیار / ضایع / نادخ / ستم (سمائی، ۱۳۸۲: ۱۱۴) و آس خشته (مستشارنیا، ۱۳۸۱: ۶۶)، توصیف افراد سبیل‌دار به چهل بیل (همان، ۵۶) و یا افراد دیرفهم به چلمن / گدوخ / گوشتکوب / مَشَنگ (سمائی، ۱۳۸۲: ۱۱۲) که چه‌بسا تنها عیب آنان نفهمیدن واژگان زبان مخفی از سوی کاربران آن باشد.

۴-۶. زبان مخفی ابزار قشربندی اجتماعی

تمسخر قومیتی و نازل دانستن جایگاه زنان از دیرباز در بین باورها و تعابیر گذشتگان بسیار رایج بود. رسوبات همین تفکر در زبان مخفی با شکل مدرن نیز وجود دارد که با رشد تکنولوژی، تبلیغات ماهواره‌ای و مجازی، مصرف‌محوری، خودآرایی و دستکاری در شکل ظاهری، نمادها بیشتر به سمت بصری شدن در حرکت‌اند. گویی افراد و اشیای

آنان از خودشان و صفات اخلاقی شان مهم تر جلوه می کند. امروزه داشتن ماشین آخرین سیستم، چهره زیبا، طرفدار تیم فوتبال خاص بودن و ... مظهر فرهنگ و تمدن قلمداد می شود؛ مثل تشبیه دوو ماتیز به ایل عقب افتاده، جاصابونی، جاروبرقی و ... یا تشبیه بینی برخی افراد به پیست اسکی یا تشبیه برخی افراد به روستاییانی که چندان با آداب شهرنشینی آشنا نیستند و امل و عقب افتاده دانستن آنان با خطاب هایی که مقدسات دینی را نادیده می گیرد؛ مثل خطاب جعفر، عبدالله، عباس، جواد، غضنفر، اقدس، شهلا، بتول؛ تشبیه شلوار گشاد برخی اقوام کشور به شلوار حمزه، جواد و خانواده (سمائی، ۱۳۸۲: ۱۱، ۴۰، ۶۲، ۸۵)؛ کمتر خواندن دختران و خطاب خواهران صومعه به خانم های چادری؛ تشبیه افراد زشت رو به زابل و در عوض خطاب آرنولد (آرنولد بدن ساز و بازیگر امریکایی) به افراد خوش هیكل و درشت اندام.

۷. نتیجه

مطالعات فرهنگی عامل اصلی شدت گرفتن کار فرهنگ نگاری زبان خرده فرهنگ ها در دهه هشتاد را آشنایی نوجوانان و جوانان با فناوری روز، امکان پنهان ماندن در فضا های مجازی و گسترش ادبیات عامه پسند می داند. در فرهنگ های موجود از زبان مخفی ضعف هایی مثل تحریف معنا و ساخت جمله مثال به جای شاهد مثال، دسته بندی موضوعی آشفته، برخورد سلیقه ای با فرهنگ نویسی و رعایت نه چندان علمی اصول فرهنگ نویسی منطبق با زبان شناسی مشاهده می شود که شاید ناشی از نگاه نامتعالی به این زبان در مقایسه با زبان رسمی باشد و وجود همین ضعف ها، ضرورت مطالعه علمی این زبان در محیط های علمی و دانشگاهی را ایجاب می کند. وجود کارکردهایی که این زبان دارد؛ مثل زبان مخفی به منزله نوعی سانسور، اعتراض، تفریح و سرگرمی و ابزاری برای قشر بندی اجتماعی از موجودیت رسمی این زبان حکایت دارد؛ زیرا زبان مخفی در کنار زبان معیار با ابداع، گسترش معنایی، قرض گیری و ترکیب به حیات خود ادامه می دهد و در درازمدت واژگان غیرتابویی آن وارد زبان معیار می شوند. البته، زبان مخفی دیگر این روزها، چندان هم مخفی نیست و گستردگی و تنوع آن، حکایت از فرهنگی مسئله دار دارد که پنهان شدگی اش اصولاً ره به نوعی اغراق در بی اخلاقی

نقش مطالعات فرهنگی در تحلیل کارکرد زبان مخفی..._____ قدسیه رضوانیان و همکاران

می‌برد. از همین روست که زبان مخفی معمولاً زبان ناهنجاری است؛ اما نادیده انگاشتن آن نیز چاره کار نیست. به همین دلیل است که به درستی فرهنگ‌نویسی و یا تحلیل این گونه زبانی مورد توجه دغدغه‌مندان حوزه مطالعات فرهنگی قرار گرفته است.

با وجود کارکردهای زبان مخفی به‌عنوان ابزاری برای سانسور، اعتراض، تفریح و سرگرمی و قشربندی اجتماعی، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران فرهنگی تلاش کنند تا از ظرفیت‌های این زبان به‌عنوان سرمایه‌ای ملی در فرهنگستان زبان بهره‌گیرند تا به معادل‌سازی واژگان قرضی و کاهش ورود واژگان قرضی کمک شود و اگر این فرهنگ‌ها مثل فرهنگ‌های رسمی با حمایت فرهنگستان پیکره‌بندی رایانه‌ای شوند، مخاطبان سریع‌تر به معنای واژگان این زبان دست می‌یابند و کم‌کم از حالت مخفی خارج می‌شود و واژگان ابتکاری و پالوده آن سریع‌تر وارد زبان معیار خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Cultural Studies
2. Interdisciplinary
3. Richard Hogart
4. Stuart Hall
5. Raymond Wiliams
6. Soap Opera
7. Macro Structure
8. Micro Structure

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانه هویت». *جامعه‌شناسی ایران*. س ۴. صص ۵۷ - ۷۵.
- استوری، جان (۱۳۸۹). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده. تهران: آگه.
- اسپیزر، ریچرد. ا. (۱۳۹۷). *فرهنگ مردم: کلمات و اصطلاحات خودمانی، عامیانه و اسلنگ مردم/امریکا*. ترجمه مسعود قاسمیان و بابک محقق. تهران: پیام امروز.
- اسکندری، حسین (۱۳۸۳). *بررسی اسنادی خرده‌فرهنگ‌های جوانان در شهر تهران*. تهران: سازمان ملی جوانان.

- اعتضادی، شیدا و فاطمه سادات علمدار (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناسی زبان مخفی در بین دختران». *مطالعات راهبردی زنان*. ش ۴۱. صص ۵-۱.
- افراسیابی، حسین و یاسین خرم‌پور (۱۳۹۴). «فرانوگرایی و رابطه آن با جهان‌گرایی در بین جوانان شهر یزد». *تحقیقات فرهنگی ایران*. س ۲. صص ۱۸۹-۲۱۵.
- اکرامی‌فر، محمود (۱۳۸۳). *مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی*. مشهد: ایوار.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و مجید نبات‌پور (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی جنبش دانشجویی در ایران دهه ۷۰ و ۸۰». *مطالعات انقلاب اسلامی*. س ۷. ش ۲۱. صص ۱۰۵-۱۲۸.
- ایرانی، محمد (۱۳۸۹). «شکل دگر خندیدن». *مطالعات علوم بلاغی*. ش ۱. صص ۳۹-۴۳.
- ایمان، محمدتقی و اسفندیار غفاری‌نسب (۱۳۸۹). «مبانی روش‌شناختی تحقیق میدانی و چگونگی انجام آن». *پژوهش*. س ۲. ش ۲. صص ۵-۳۰.
- بارکر، کریس (۱۳۸۷). *مطالعات فرهنگی*. ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پاینده، حسین (۱۳۹۰). *گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی*. ج ۲. تهران: نیلوفر.
- ----- (۱۳۸۹). «رویکرد مطالعات فرهنگی به ادبیات عامه‌پسند». *برگ فرهنگ*. ش ۲۲. صص ۶۰-۷۱.
- ----- (۱۳۸۲). *نقد ادبی و دموکراسی؛ جستارهایی در نظریه و نقد ادبی*. تهران: نیلوفر.
- تودوروف، تزوان (۱۳۷۷). *منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین*. ترجمه داریوش کریمی. تهران: نشر مرکز.
- حاج‌هاشمی، سارا و عادل رفیعی (۱۳۹۶). «بررسی اصطلاحات عامیانه تحصیلی دانشجویان اصفهان از نظر ساخت واژ و معنایی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۵. ش ۱۳. صص ۲۵-۱.
- دورینگ، سایمون (۱۳۷۸). *مطالعات فرهنگی*. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده‌پویان.
- راودراد، اعظم و طاهره رحیمی (۱۳۹۴). «تصویر قهرمان در سینمای عامه‌پسند دهه هشتاد». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. د ۷. ش ۲. صص ۱۸۵-۲۰۶.
- رجب‌زاده، شهرام (۱۳۸۳). «زبان مخفی یا مخفی‌کاری زبانی». *کتاب ماه کودک و نوجوان*. ش ۵۸. صص ۶۱-۶۷.

نقش مطالعات فرهنگی در تحلیل کارکرد زبان مخفی... _____ قدسیه رضوانیان و همکاران

- رجب‌لو، علی و زهرا علیخانی (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی گفتار عامیانه در خرده‌فرهنگ جوانان». *جامعه‌شناسی ایران*. د ۱۶. ش ۲. صص ۷۳-۱۰۶.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و مجید ایران‌نژاد (۱۳۹۵). «جامعه‌شناسی زبان مخفی». *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی*. صص ۹۸۲-۹۹۰.
- رضایی، محمد (۱۳۸۳). *مطالعات فرهنگی: دیدگاه‌ها و مناقشات*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- رضوی، مرضیه‌سادات و فریبا قطره (۱۳۹۳). «فرایندهای واژه‌آفرینی در گونه گفتاری زبان فارسی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۴. صص ۱۴۵-۱۶۷.
- ریچاردز، بری (۱۳۸۲). *روان‌کاوی فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده. تهران: طرح نو.
- ژیرو، هنری (۱۳۹۲). «مطالعات فرهنگی و آموزش؛ از همسایگی تا همکاری». ترجمه اسماعیل یزدان‌پور. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. ش ۵. صص ۱۳۵-۱۶۵.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۳). «معیارسازی و ملاحظات تجویزی». *نامه فرهنگستان*. ش ۲۴. صص ۶۷-۷۳.
- سمائی، مهدی (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات زبان مخفی*. تهران: نشر مرکز.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف واژه*. تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۵). *زبان معیار؛ درباره زبان فارسی (مجموعه مقالات نشر دانش)*. زیر نظر نصراله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عباسی، آریتا (۱۳۹۲). «فرهنگ‌نویسی و توانش کاربردشناختی». *فرهنگ‌نویسی*. ش ۷. صص ۲۳-۳۸.
- فلسکی، ریتا و دیوید شاموی (۱۳۸۸). *مطالعات فرهنگی و زیبایی‌شناسی*. ترجمه سیما ملک. تهران: نشر آثار هنری.
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مدرن در ایران معاصر*. تهران: نسل آفتاب.
- ----- (۱۳۸۷). *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران؛ رویکرد انسان‌شناختی و مطالعات فرهنگی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶). «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز». *فرهنگ‌نویسی*. س ۱. صص ۶۸-۹۴.
- کاظمی، عباس و مجید حاج‌حسینی (۱۳۹۴). «چالش‌های انجام مطالعات فرهنگی در ایران و افق‌های پیش رو». *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. س ۷. ش ۲. صص ۵۷-۷۹.

- مک‌گویگان، جیم (۱۳۸۸). *بازاندیشی در سیاست فرهنگی*. ترجمه نعمت‌اله فاضلی و مرتضی قلیچ. تهران: دانشگاه امام جعفر صادق(ع).
- *مرآت‌البله‌ها* (بی‌تا). منسوب به حبیب‌اله لشکرنویس. به اهتمام احمد مجاهد. [تاریخ انتشار، ۱۳۷۷]. تهران: انتشارات ما.
- مستشارنیا، عفت (۱۳۸۱). *نسل جوان ما چگونه سخن می‌گویند؟*. ویرایش و تنظیم: محمد مسلمی‌فر. تهران: غزل پویا.
- مشیری، مهشید (۱۳۸۰). *فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان*. تهران: آگاهان ایده.
- مؤمنی، نگار (۱۳۸۹). «فرآیندهای واژه‌سازی زبان مخفی فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*. ش ۱۲. صص ۶۱ - ۸۶.

- نبوی، سید ابراهیم (۱۳۸۰). *سالن ۶: یادداشت‌های روزانه زندان*. تهران: نشرنی.

- Barker, C. (2003). *Cultural Studies : Theory & practices*. London : Sage Publication.
- Inglis, D. (2003). *Confronting Culture*. Cambridg: Polity Press. -
- Johnson, R. (1987). " What is Cultural Studies Anyway?". *Social Text*. 16(Winter). PP. 38-80.
- Weatherall, A. (2002). *Gender, Language & Disccours*. Roltlede.uk.
- Rodman, R. (1988). *An Interaction to language*. Saunder College.

The Role of Cultural Studies in Analyzing Argot in the 80s

Qodsiyeh Rezvanian¹, Siavash Haq ju², Leila Darvish Ali Pour^{*3}

1. Associate Professor of Persian Language and Literature/ Mazandaran University.

2. Associate Professor of Persian Language and Literature/ Mazandaran University.

3. Phd Candidate in Persian Language and Literature.

Receive: 22/12/2017 Accept: 21/06/2018

Abstract

The formation of any new linguistic variety has been due to respond the need of human being. In the 80s, in the daily speeches of the Iranian people, especially young people, argot or secret words became widespread. Religious, political and gender-related taboos have been targeted and integrated into the problems of the modern world in an inclusive way. The current research seeks to explain the reasons for the formation of the secret (argot) language, the discovery of great followers in virtual spaces, especially young people, and to analyze the function of this language in cultural studies. With an interdisciplinary and coherent approach, Cultural studies paves the way for the presentation of this language in associations and official institutions. This article attempts to examine the four sources of books and cultures with a high frequency of words in the secret language through qualitative content analysis. According to the results of the research, the extension of leisure time, the arrival of information technologies, technological progress and, consequently, the possible anonymity of writers in virtual spaces and the diffusion of popular literature have played an important role in the development of secret language in the 80s. Regardless of any biased point of view, scientific examination and the addition of a non-linguistic vocabulary of the secret language in a standard language can help to promote and improve the Persian language.

Keywords: Cultural Studies; Argot, Micro-culture

*Corresponding Author's E-mail: ldarvishalipur@yahoo.com